



## بسم الله الرحمن الرحيم

### دیدگاه «جریان اعتماد و ثبات افغانستان» نسبت به امروز و فردای افغانستان

#### نگاه اجمالی به وضعیت امروز افغانستان

وضعیت امروز افغانستان هم در ابعاد داخلی و هم در ابعاد منطقه‌ای و جهانی، بسیار پیچیده، پر از ابهام و نگران‌کننده است. دامنه بحران، همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و حیات ملی ما را در بر گرفته است.

#### در بعد اقتصادی:

افغانستان همچنان اقتصاد وابسته به کمک‌های خارجی دارد. ارزش پول افغانستان به شکل مصنوعی و از طریق کمک‌های بلاعوض حفظ می‌شود. افغانستان فاقد سیاست اقتصادی تدوین شده بر اساس معیارهای عصر ما، نیازمندی‌های داخلی و قواعد و قوانین بازار جهانی است. افغانستان در ردیف فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد و بی‌کاری بیداد می‌کند. نتایج این وضع، در بعد امنیتی نیز زیان‌های فراوانی برای جامعه افغانستان در پی دارد که گرایش به جریان‌های افراط‌گرا و نیز افزایش جرایم اجتماعی از آن جمله‌اند. این در حالی است که افغانستان از پتانسیل اقتصادی بسیار بالایی برخوردار است:

۱. کشور ما یکی از بالاترین نرخ‌های جمعیت جوان در جهان را دارد. این نیروی جوان می‌تواند نیروی کار و پربازده اقتصادی باشد؛

۲. افغانستان دارای منابع طبیعی بسیار گران‌بها است که متأسفانه تا کنون به شکل معیاری و مبتنی بر سیاست تدوین شده و قابل قبول از آن بهره برده نشده است؛

۳. افغانستان از موقعیت استثنایی در منطقه برخوردار است و می‌تواند بازارهای منطقه‌ای و جهانی را به هم وصل کند، اما به دلیل بحران‌های پایدار از این موقعیت استفاده نشده است؛

۴. با وجود بهره مندی از منابع قابل ملاحظه آب، کشور ما در نبود دولت با ثبات و فقدان سیاست گذاری های درست نتوانسته است از آن برای توسعه اقتصادی پایدار در سطح ملی و منطقه ای استفاده کند.

### در بعد اجتماعی و صحتی:

- زنان، به عنوان نیمی از پیکر جامعه از فرصت تحصیل و کار باز مانده اند؛
- ما یکی از بالاترین نرخ های خانواده ها و کودکان بی سرپرست در جهان را داریم؛
- ما یکی از بالاترین نرخ های قربانیان مین و معلولیت در جهان را داریم؛
- افغانستان با روند بسیار ویران گر فرار مغزها روبرو است؛
- افغانستان یکی از پایین ترین شاخص های بهداشتی و امنیت صحتی در جهان را دارد.

### در بعد سیاسی و ملی:

کودتاها و جنگ های پی در پی در پنج دهه گذشته، روند تبدیل شدن مردم افغانستان به ملتی واحد با آرمان های مشترک را متوقف کرده است. دیوارهای بی اعتمادی تمام ابعاد اجتماعی، از خانواده گرفته تا قوم و قبیله و بالاخره در سطح ملی، را فراگرفته است. در فقدان یک میثاق ملی و تعریف درست از منافع ملی با در نظر داشت همه واقعیتهای اجتماعی و مردمی افغانستان، امکان قد علم کردن ما به عنوان ملت واحد و دارای کشور و سرزمین مشترک دشوار است.

### در بعد سیاست های منطقه ای و جهانی:

در تحلیل نگاه منطقه ای و جهانی چند نکته زیر را باید در نظر گرفت:

۱. واقع گرایی، رایج ترین مکتب فکری در سیاست گذاری های جهانی است و مبتنی بر آن، کشورها بر اساس منافع ملی خود عمل می کنند. دفاع از منافع ملی، محور و هدف اصلی و تعریف کننده سیاست خارجی کشورها است؛
۲. به دلیل ضعف افغانستان، فقدان منافع ملی تعریف شده، عدم پایداری در سیاست گذاری خارجی، اقتصاد وابسته، گرایش های مقطعی برخاسته از تعهد و نیاز به کشورها و بلوک های سیاسی در جهان، ما هرگز نتوانسته ایم بازیگر همسانی در روابط دوجانبه و چندجانبه خود با کشورهای دیگر به شمار آییم و در نتیجه:
۳. نگاه منطقه و جهان به افغانستان همیشه توأم با بدبینی، تهدیدانگاری و میدان جنگ های نیابتی بوده است.

### مقصر وضع کنونی کیست؟

این پرسش بسیار مهمی است و می طلبد که به آن با دقت پاسخ داده شود، زیرا تجربه نشان داده است که در افغانستان، گروه های سیاسی و بسیاری از نخبگان اقوام مختلف با مقصر دانستن یکدیگر و متهم نمودن

اقوام و جریان‌های دیگر به نفاقِ بیشتر دامن زده‌اند و این وضع هر روز بر پیچیدگی بیشتر مسائل افغانستان افزوده است و زمینهٔ تبدیل شدن به ملتی با آرمان‌های مشترک را از ما گرفته است. پیش از پاسخ دادن به این پرسش لازم است نخست این اصل بنیادین جریان اعتماد و ثبات افغانستان را یادآور شویم: از دید ما، سرنوشت "انسان" افغانستان، دردها و رنج‌های انسان افغانستان در طول دهه‌ها و تلاش برای رفاه و آسایش و آرامش انسان دردکشیدهٔ افغانستان، باید محراق کار نخبگان و کنشگران سیاسی افغانستان باشد.

ما بر این باوریم که نگاه به انسانِ دردمند افغانستان و تلاش برای نجات او مهم‌تر از آرمان‌خواهی‌های سیاسی و گروهی است. با این حال، فهم ما از جیوپولتیکِ منطقه و جهان و واقعیت‌های افغانستان، از جمله تار و پود و بافت اجتماعی و ویژگی‌های جغرافیایی این است که حتی اگر تجزیهٔ کشور به عنوان راهی برای پایان دادن به آلام انسان افغانستان مطرح شود، این امر با اشاره به نکته‌های درج‌شده در بالا ممکن نیست و علاوه بر آن می‌تواند موجب دگرگونی کامل سیمای جیوپولتیکِ منطقه (از آسیای میانه گرفته تا جنوب آسیا، غرب آسیا و خاورمیانه و ...) و حتی جهان شود و بدیهی است که منطقه و جهان نیز با این راه حل مخالف اند.

این به این معناست که ما مردم افغانستان با سرنوشت مشترک به سوی آیندهٔ مشترک باید حرکت کنیم. آینده‌ای که بر پایهٔ عدالت اجتماعی، برابری، رفاه و امنیت عمومی استوار باشد. با این مقدمه، پاسخ «جریان ثبات و اعتماد افغانستان» به پرسش «مقصر وضع کنونی کیست؟» این است:

1. «جریان اعتماد و ثبات افغانستان» به وضعیت کنونی، نگاه "علت-معلولی" دارد: از دید ما، تمام حکومت‌ها و روندهای حاکم سیاسی در افغانستان از پنج دهه گذشته تا اکنون، علت و معلول یک‌دیگر بوده‌اند. انداختن بار گناه بر شانهٔ جریان خاص و حکومت مشخص و قوم خاص، نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه دامنهٔ نفاق و بی‌اعتمادی را گسترده‌تر می‌کند.

2. «جریان اعتماد و ثبات افغانستان» به فرایندها و روندهای پدیدآورندهٔ وضعیت موجود افغانستان با دیدی علمی و تجربی برای پرهیز از اشتباه‌ها و بالابردن توان تصمیم‌گیری‌های درست نگاه می‌کند.

3. «جریان اعتماد و ثبات افغانستان» به وضعیت کنونی، نگاه واقع‌بینانه دارد. این نگاه واقع‌بینانه تمامی عواملی تاثیرگذار و صاحب منفعت داخلی و خارجی در مناسبات و معادله‌های قدرت در افغانستان را در یک کلیت ارزیابی می‌کند و بر آن است که با در نظر داشت تمام پیچیدگی‌های این کلیت، بهترین راه حل ممکن را برای تامین اعتماد و ثبات در افغانستان ارایه دهد.